

فهرست



الدَّرْسُ السَّادِسُ: آتِه ماري شميل

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢) / ترجمة فعل مضارع (٢) ١٠٤
ترجمه ١٢
سؤال‌های امتحانی ٢١
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٢٥



الدَّرْسُ السَّابِعُ: تَأْتِيرُ اللَّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

- قواعد: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ / معانی افعال ناقصه ٢٨
ترجمه ٣١
سؤال‌های امتحانی ٣٩
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٤

آشنایی با برخی افعال فارسی

- ١٢٦
١٢٩
١٣٨
١٤٣
١٤٦
١٤٧
١٥١
١٥٣
١٥٩
١٦٥
١٧٧

خلاصه درس‌ها

مشاوره شب امتحان

- نمونه امتحان‌های نیم‌سال اول ٤٥
- پاسخ‌نامه نمونه امتحان‌های نیم‌سال اول ١٥٩
- نمونه امتحان‌های نیم‌سال دوم ٤٨
- پاسخ‌نامه نمونه امتحان‌های نیم‌سال دوم ٧٠



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

- قواعد: اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ / اسم تفضیل و اسم مکان ٧
ترجمه ١٢
سؤال‌های امتحانی ٢١
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٢٥



الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

- قواعد: اسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ آدَوَاتُهُ / اسلوب شرط و ادوات آن ٢٨
ترجمه ٣١
سؤال‌های امتحانی ٣٩
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٤



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

- قواعد: الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ / معرفه و نکره ٤٧
ترجمه ٥١
سؤال‌های امتحانی ٤٠
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٥



الدَّرْسُ الرَّابِعُ: آدَابُ الْكَلَامِ

- قواعد: الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ / جمله بعد از اسم نکره ٤٨
ترجمه ٧٠
سؤال‌های امتحانی ٧٧
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٨٢



الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْكَيْدُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) / ترجمه فعل مضارع (١) ٨٥
ترجمه ٨٧
سؤال‌های امتحانی ٩٦
سؤال‌های چهارگزینه‌ای ١٠١

اسم جنس + «تنوین» ءَ، ةَ، ةِ ← اسم نکره	مثال: کتَبَ: کتاب‌هایی / أَشْجَارًا: درختانی / مَدْرَسِيَّةً: مدرسه‌ای نکره نکره نکره نکره نکره
اسم خاص + «تنوین» ءَ، ةَ، ةِ ← اسم معرفه	مثال: عَلِيٌّ: علی / حَامِدٌ: حامد / نَاصِرًا: ناصر معرفه معرفه معرفه معرفه معرفه

(می‌فواهم) بگم که اگرچه «تنوین» در بیشتر مواقع، علامتِ یہ اسمِ نکره است، ولی اینم باید بدونید که هر اصل و قاعده‌ای یه سری استثنائاتی داره که تو این درس هم، استثنائش همون اسمِ فاضله!

چگونه اسم‌های «نکره» را به فارسی ترجمه کنیم؟

برای ترجمه اسم‌های نکره (تنوین‌دار) - به غیر از اسم‌های خاص - کافی است آن اسم را به فارسی ترجمه کنید و به آخر آن یک پسوند «ی» بیفزایید؛ مانند: مَسْجِدٌ: مسجدی / مَكْتَبَةٌ: کتابخانه‌ای / شَارِعًا: خیابانی
البته باید توجه داشته باشید که اسم نکره در زبان فارسی به سه صورت می‌آید:

- با پسوند «ی»: مانند: مردی / دانش‌آموزی
- با پیشوند «یک» و پسوند «ی»: مانند: یک مردی / یک دانش‌آموزی
- بنابراین، جمله «جاء طالب» را می‌توان به سه صورت ترجمه کرد: ۱) دانش‌آموزی آمد. ۲) یک دانش‌آموز آمد. ۳) یک دانش‌آموز آمد.

چگونه اسم‌های معرفه («ال» دار) را به فارسی ترجمه کنیم؟

برای ترجمه اسم‌های «ال» دار کافی است که فقط معادل آن اسم را به فارسی بنویسید؛ مانند: الْمَسْجِدُ: مسجد / الْمَكْتَبَةُ: کتابخانه / الشَّارِعُ: خیابان (فَب، از این ساده‌تر دیگه چی می‌فواهم!؟)

نکته مهم:

اسم‌های «مثنی» و «جمع مذکر سالم» به این دلیل که هیچ‌گاه تنوین نمی‌پذیرند، اگر «ال» نداشته باشند و به اسم دیگری اضافه نشده باشند، معمولاً آن‌ها را به صورت اسم‌های «نکره» ترجمه می‌کنیم؛

مثال:

مُؤْمِنَانِ: مؤمنانی (دو مؤمنی) اسم مثنی
مُؤْمِنِينَ: مؤمنانی جمع مذکر سالم

۲) در جملات اسمیه، «خبر» هرگاه به صورت «اسم نکره» به کار رود، معمولاً به صورت «معرفه» ترجمه می‌شود. ۱) ← استثناء
(اگره یادتون باشه کمی قبل‌تر هم پوتون گفتیم که هر «اصل و قاعده‌ای» معمولاً یه سری استثنائاتی داره؛ یادتون اومده؟! اینم از همون استثنائاته.)

مثال:

هَذَا طَالِبٌ: این، «دانش‌آموز» است. مبتدا (نکره) معرفه
فَرِيْقَانَا فَائِزٌ: تیم ما، «بَرَنده» است. خبر (نکره) معرفه
(در دو مثال بالا، «طَالِبٌ» و «فَائِزٌ» تنوین دارن (نکره هستن) ولی ما اونا رو «معرفه» ترجمه می‌کنیم.)

۳) معدود اعداد در زبان عربی معمولاً «نکره» هستند، اما برخلاف موارد فوق، ما آن‌ها را به صورت «معرفه» ترجمه می‌کنیم. ← استثناء

مثال:

تِسْعَةٌ كُتُبٌ: نُه کتاب عدد معصود (نکره) معصود (معرفه)
أَحَدٌ عَشَرَ طَالِبًا: یازده دانش‌آموز عدد معصود (نکره) معصود (معرفه)

۴) هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» با هم در یک اسم به کار نمی‌روند؛ **مثال:** الْمَعْلَمُ ← درست / مَعْلَمٌ ← درست / الْمَعْلَمُ ← نادرست
(این نکته منو یار یه ضرب المثل میندازه که می‌گه: «غوغا بُود دو پادشاهِ آنتر ولایتی». فرمایش عَجَب جمله‌ایه‌ها!)

اکنون به جملات زیر و ترجمه آن‌ها دقت کنید:

۱) جَاءَ مَدْرَسٌ: معلمی آمد. / جَاءَ الْمَدْرَسُ: معلّم آمد. نکره نکره معرفه معرفه
۲) وَجَدْتُ قَلَمًا: قلمی را یافتم. / وَجَدْتُ الْقَلَمَ: قلم را یافتم. نکره نکره معرفه معرفه

۱- البته آن خبر نکره را به صورت «نکره» نیز می‌توان ترجمه کرد، ولی بسیار کم‌کاربرد است؛ مثال: هَذَا طَالِبٌ: این «دانش‌آموزی» است.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: به مؤمنانی سلام کردم. / سَلَّمْتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: به مؤمنان سلام کردم.

رَأَيْتُ بَوْمَةً عَلَى شَجَرَةٍ: جنغدی را روی درختی دیدم. / رَأَيْتُ الْبُومَةَ عَلَى الشَّجَرَةِ: جنغد را روی درخت دیدم.

تمرین: اسم‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره به فارسی ترجمه کنید:

صَفٌّ: (۱)	أَلَصْفُ: (۲)	صَفُوفٌ: (۳)	أَلَصْفُوفُ: (۴)
مُعَلِّمُونَ: (۵)	سَحَابٌ: (۶)	زُسُلًا: (۷)	أَلْعُلَمَاءُ: (۸)
مَلَابِيسٌ: (۹)	مُمَرِّضَاتٌ: (۱۰)	أَلْمَمَرِّضَاتُ: (۱۱)	أَلْمَوْظَفَانُ: (۱۲)
أَلْمُلُوكُ: (۱۳)	أَلْمُلُوكَا: (۱۴)	أَلتُّصُوصُ: (۱۵)	أَلتُّصُوصُ: (۱۶)

پاسخ:

کلاس (۱)	کلاس (۲)	کلاس‌هایی (۳)	کلاس‌ها (۴)
معلمانی، معلم‌هایی (۵)	ابری (۶)	پیامبرانی (۷)	دانشمندان (۸)
لباس‌هایی (۹)	پرستارانی (مؤنث) (۱۰)	پرستاران (مؤنث) (۱۱)	کارمندها (دو کارمند) (۱۲)
پادشاهان (۱۳)	پادشاهانی (۱۴)	متون، متن‌ها (۱۵)	متونی، متن‌هایی (۱۶)

یک قاعده مهم ترجمه:

معمولاً هرگاه اسمی به صورت «نکره» در یک جمله به کار رود و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود (معرفه بیاید)، می‌توان الف و لام آن اسم را به صورت «این» یا «آن» ترجمه کرد. (فب دلبشم منطقیه؛ چون وقتی شما به نغری رو برای اولین بار می‌بینین، اونو نمی‌شناسین و به اصطلاح ادبی، برای شما نکره و ناشناسه، ولی همون آدم رو آگه دوباره ببینیدش، دیگه براتون ناشناس نیست و می‌شناسیدش!)

مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا. / جَاءَتْ طَالِبَاتٌ. أَلطَّالِبَاتُ دَخَلْنَ سَاحَةَ الْقَدْرَسَةِ.

اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند. / دانش‌آموزانی آمدند. آن دانش‌آموزان وارد حیاط مدرسه شدند.

چگونه ترکیب‌های «وصفی» و «احصافی» عربی را به فارسی ترجمه کنیم؟

الف) ترکیب‌های وصفی

در ترکیب‌های وصفی که از «موصوف» و «صفت» تشکیل شده است، هر دو یا «ال» دارند یا «تنوین». (یعنی هر دو *شون* یا *رومی* یا *زنگی* زنگی!) اگر هر دو «ال» داشته باشند (هر دو معرفه باشند)، کافی است معادل فارسی آن‌ها را بنویسیم؛ مانند:

أَلطَّالِبُ الْمَجْدُ: دانش‌آموز کوشا / أَلطَّالِبُ الْمَجْدُونَ: دانش‌آموزان کوشا

دقت داشته باشید که «صفت» عربی (چه مفرد، چه مثنی و چه جمع) همواره در فارسی به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود؛ مانند «الْمَجْدُ» و «الْمَجْدُونَ» که در دو مثال قبل، هر دو به صورت «مفرد» ترجمه شده‌اند.

اگر هر دو نکره باشند، در ترجمه فارسی آن‌ها، پسوند «ی» را یا به *موصوف* می‌دهیم یا به *صفت*.

مثال:

طَالِبٌ مَجْدٌ: دانش‌آموز کوشایی، دانش‌آموزی کوشا / طَلَبٌ مَجْدُونَ: دانش‌آموزان کوشایی، دانش‌آموزانی کوشا

نکته: هرگاه در یک ترکیب وصفی، «موصوف» یک اسم خاص باشد، معمولاً «ال» نمی‌گیرد، ولی صفت آن «ال» دار به کار می‌رود.

مثال:

إِيرَانٌ الْإِسْلَامِيَّةُ: ایران اسلامی / فِلَسْطِينُ الْفِلَسْطِينِيَّةُ: فلسطین اِسْغَالِي

۱- گاه با اسم‌هایی مواجه می‌شوید که نه «ال» دارند و نه «تنوین» و نه به اسمی اضافه شده‌اند! این‌گونه اسم‌ها را نیز معمولاً باید نکره ترجمه کنید. (مانند: «مَلَابِيسٌ»)

ب) ترکیب‌های اضافی

در ترکیب‌های اضافی که از «مضاف» و «مضاف‌الیه» تشکیل شده است، اسم اول یعنی «مضاف»، هیچ‌گاه نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین»؛ بنابراین برای این که بدانید این ترکیب را معرفه ترجمه کنید یا نکره، همیشه به اسم دوم (مضاف‌الیه) نگاه کنید؛ اگر معرفه بود، ترکیب اضافی را به صورت معرفه ترجمه کنید و اگر نکره بود، به صورت نکره. ضمناً، در فارسی مضاف همواره به صورت «معرفه» ترجمه می‌شود.

مثال

کتابِ طالبِ: کتابِ دانش‌آموزی	کتابِ طالِبِ: کتابِ دانش‌آموزی
نکره	نکره
کتابِ طالبِ: کتاب‌های دانش‌آموزانی	کتابِ طالِبِ: کتاب‌های دانش‌آموزانی
نکره	نکره
کتابِ الطالبِ: کتابِ دانش‌آموز	کتابِ الطالِبِ: کتابِ دانش‌آموز
معرفه	معرفه
کتابِ الطالبِ: کتاب‌های دانش‌آموزان	کتابِ الطالِبِ: کتاب‌های دانش‌آموزان
معرفه	معرفه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكَرَةِ.

(براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن.)

۱- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ التَّوْر: ۳۵

﴿خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَلِ نورِ او همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی است. آن چراغ در شیشه‌ای است، آن شیشه گویبِ اختری درخشان است.﴾

۲- ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾ الْمَزَّمَل: ۱۵ و ۱۶

﴿پیامبری نزد فرعون فرستادیم [ولی] فرعون، آن پیامبر را (از آن پیامبر) نافرمانی کرد.﴾

۳- عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

﴿دانشمندی که از دانش او بهره برده شود، بهتر از هزار عابد است.﴾

توضیح: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، «خَيْرٌ» با این‌که «نکره» است، به صورت معرفه ترجمه شده است؛ زیرا «خَيْرٌ» جمله اسمیه است و «عابِدٌ» نیز که «نکره» است، به دلیل معدودبودن، به صورت معرفه ترجمه شده است!

واژگان

فعل

حَنَقَ: خفه کرد (مضارع: يَحْنُقُ)

نَبَتَ: رویید (مضارع: يَنْبُتُ)

سَبَبَ: سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ / امر: سَبِّبْ)

نَصَفَ: توصیف می‌کنیم

اسم

أَحْلَلْ: حلال‌تر، حلال‌ترین ← اسم تفضیل

غاز: گاز

إشْتَعَالَ: برافروخته شدن، سوختن (ماضی: إِشْتَعَلَ / مضارع: يَشْتَعِلُ)

فَالِقٌ: شکافته ← اسم فاعل

أَطْيَبَ: خوب‌تر، خوب‌ترین = أَحْسَنَ، أَفْضَلَ ← اسم تفضیل

لَبٌ: مغز میوه

أَغْصَانٌ، عُصُونٌ: شاخه‌ها، «مفرد: عُصْنٌ»

مَحَاصِلٌ: محصولات

إلتِفَافٌ: در هم پیچیدن (ماضی: أَلْتَفَّ / مضارع: يَلْتَفِتُ)

أَلْمَحِيطُ الْهَادِيُّ: اقیانوس آرام

بَدُورٌ: دانه‌ها «مفرد: بَدْرٌ»

مَزَارِعٌ: کشاورز = زَارِعٌ، فَلَاحٌ

جَذَعٌ: تنه، «جمع: جَذُوعٌ»

مُعَمَّرٌ: کهنسال

جُزُرٌ: جزیره‌ها، «مفرد: جَزِيرَةٌ»

مَلُوثٌ: آلوده‌کننده ← اسم فاعل

جَوْزَةٌ: دانه گردو، بلوط و مانند آن

مَوَاصِفَاتٌ: ویژگی‌ها

خَانِقٌ: خفه‌کننده ← اسم فاعل

نَوَى: هسته [واحد: أَنْ: نَوَاة]

سِيَاجٌ: پرچین

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ التَّوَي يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾ الأنعام: ۹۵

بی‌گمان خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورندهٔ مرده از زنده است.

عَجَائِبُ	الأشجارِ
شگفتی‌های	درختان
شگفتی‌های درختان	

ظواهرُ	الطَّبِيعَةُ	تَثْبُتُ	حَقِيقَةٌ وَاحِدَةٌ	وَ	هِيَ	قُدْرَةٌ	اللَّهِ،
پدیده‌های	طبیعت	اثبات می‌کند	یک حقیقت [را]	و	آن	قدرت	خدا [است].
پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن قدرت خداوند است.							

الطَّبِيعَةُ: طبیعت (معرفه)
حَقِيقَةٌ: حقیقتی (نکره)
اللَّهِ: معرفه (اسم خاص)

وَ	الآنَ	نَصَفُ	بَعْضُ	هَذِهِ	الظَّوَاهِرِ:
و	اکنون (اینک)	وصف می‌کنیم	برخی از	این	پدیده‌ها [را]
[و] اینک برخی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم:					

أَلْعِنَبُ	الْبِرَازِيلِيُّ	شَجَرَةٌ	تَخْتَلِفُ	عَن	بَاقِي	أَشْجَارِ	العَالَمِ،
انگور	برزیلی	درختی [است]	[که] فرق دارد	از	سایر	درختان	جهان
انگور برزیلی درختی است که با سایر درختان جهان فرق دارد.							

الْبِرَازِيلِيُّ: برزیلی (معرفه)
تَوَجَّهَ: «ی» در برزیلی، یاء نسبت است نه علامت نکره. به این اسم در فارسی، «صفت نسبی» گفته می‌شود.

تَثْبُتُ	فِي	الْبِرَازِيلِ،	وَ	تَنْمُو	أَثْمَارُهَا	عَلَى	جِدْعِهَا،
می‌روید	در	برزیل	و	رشد می‌کند	میوه‌های آن (میوه‌هایش)	بر	تنه‌اش
[این درخت] در برزیل می‌روید و میوه‌های آن بر تنه‌اش رشد می‌کند.							

وَ	مِنَ	أَهَمِّ	مَوَاصِفَاتِ	هَذِهِ	الشَّجَرَةِ	أَنَّهَا	تُعْطِي
و	از	مهم‌ترین	ویژگی‌های	این	درخت	[این است] که آن	می‌دهد
و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که							

الشَّجَرَةِ: درخت (معرفه)

أَثْمَاراً	طَوْلَ	السَّنَةِ.
میوه‌هایی	[در] طول	سال
در [تمام] طول سال میوه‌هایی می‌دهد.		

أَثْمَاراً: میوه‌هایی (نکره)

شَجَرَةٌ	السُّكُوبَا	شَجَرَةٌ	مِنْ	أَطْوَلِ	أَشْجَارِ	العَالَمِ	فِي	كَالِيفُورِنِيَا،	قَدْ
درخت	سکویا	درختی [است]	از	بلندترین	درختان	جهان	در	کالیفرنیا	گاهی
درخت سکویا درختی است که از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی									

العَالَمِ: جهان (معرفه)

يَبْلُغُ	از تِغَاعُ	بَعْضِهَا	أَكْثَرُ	مِنْ	مِئَةِ	مِثْرٍ	وَ
می‌رسد	ارتفاع	برخی از آن‌ها	[به] بیش	از	صد	متر	و

ارتفاع برخی از آن‌ها به بیش از صد متر می‌رسد و

قَدْ	يَبْلُغُ	قَطْرُهَا	تِسْعَةَ	أَمْتَارٍ	وَ	يَزِيدُ	عُمُرَهَا
گاهی	می‌رسد	قطر آن [ها]	[به] نه	متر	و	بالغ [است]، بیش‌تر [است]	عمرش (عمرشان)

گاهی قطر آن [ها] به نه متر می‌رسد و عمرشان تقریباً بالغ بر

عَلَى	ثَلَاثَةِ	آلَافٍ	وَ	خَمْسِمِئَةٍ	سَنَةٍ	تَقْرِيْبًا
بر (از)	سه هزار	و	پانصد	سال	تقریباً (حدوداً)	

سه هزار و پانصد سال است.

الشَّجَرَةُ	الخَائِنَةُ	شَجَرَةٌ	تَنُمُو	فِي	بَعْضِ	الْغَابَاتِ	الْإِسْتَوَائِيَّةِ،
درخت	خفه‌کننده	درختی [است]	[که] رشد می‌کند	در	برخی از	جنگل‌های	استوایی

درخت خفه‌کننده، درختی است که در برخی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند،

تَبْدَأُ	حَيَاتِهَا	بِالْإِتْفَافِ	حَوْلَ	جَذَعِ	شَجَرَةٍ	وَ	عُصُونِهَا،
شروع می‌کند	زندگی‌اش را	با پیچیدن	دور	تنه	درختی (یک درخت) و		شاخه‌هایش

[این درخت] زندگی‌اش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند،

ثُمَّ	تَخْنُقُهَا	تَدْرِيجِيًّا	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	جَزِيرَةٍ
سپس	خفه می‌کند آن را	به تدریج (کم‌کم)	وجود دارد	نوعی	از آن‌ها	در	جزیره

سپس آن را به تدریج خفه می‌کند. نوعی از آن‌ها در جزیره

قِشْمٌ	الَّتِي	تَفَعُّ	فِي	مَحَاقِطَةِ	هَرْمَزْجَانَ.
قشم	که	واقع است (قرار دارد)	در	استان	هرمزگان.

قشم که در استان هرمزگان قرار دارد، وجود دارد.

شَجَرَةُ	النَّخْبِ	شَجَرَةٌ	اسْتَوَائِيَّةٌ	تَنُمُو	فِي	جَزْرِ	الْمُحِيطِ	الْهَادِي،
درخت	نان	درختی [است]	استوایی	رشد می‌کند	در	جزایر	اقیانوس	آرام

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می‌کند،

تَحْمِلُ	أَثْمَارًا	فِي	نِهَائِيَّةِ	أَغْصَانِهَا	كَ	النَّخْبِ.
نگه می‌دارد (با خود دارد)	میوه‌هایی	در	انتهای	شاخه‌هایش	مانند	نان

در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.

يَأْكُلُ	النَّاسِ	لَبَّ	هَذِهِ	الأثْمَارِ.
می خورد (می خوردند)	مردم	مغز	این	میوه‌ها [را]

مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

شَجَرَةٌ النَّفْطِ	شَجَرَةٌ	يَسْتَخْدِمُهَا	الْمَزَارِعُونَ	ك	سِيَاحٍ	حَوْلَ
درخت نفت	درختی [است]	[که] استفاده می‌کنند از آن	کشاورزان	مانند	پُرچینی (یک پُرچین)	اطراف (دور)

درخت نفت، درختی است که کشاورزان از آن مانند یک پُرچین (دیواره‌ای)، اطراف

يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد، به کار می‌برد، استفاده می‌کند

الْمَزَارِعِ	لِ	حِمَايَةٍ	مَحَاصِلِهِمْ	مِنْ	الْخَيْوَانَاتِ؛	لِأَنَّ	رَائِحَةَ
مزرعه‌ها	برای	محافظت کردن	محصولاتشان	از	حیوانات	زیرا	بوی

مزرعه‌ها برای محافظت کردن محصولاتشان از حیوانات، استفاده می‌کنند؛ زیرا

هَذِهِ الشَّجَرَةَ	كَرِهِيَّةً	تَهْرَبُ	مِنْهَا	الْخَيْوَانَاتِ،	وَ	تَحْتَوِي
این درخت	ناپسند [است]	می‌گریزند، فرار می‌کنند	از آن	حیوانات	و	حاوی است

بوی این درخت ناپسند است (بد و نامطبوع است) و حیوانات از آن فرار می‌کنند، و

تَحْتَوِي ... عَلَى ... : ... حاوی ... است

بَدْوَرُهَا	عَلَى	مِقْدَارٍ	مِنْ	الزُّيُوتِ	لَا يَسْبَبُ	اَشْتِعَالَهَا	خُرُوجَ
دانه‌هایش	-	مقداری	از	روغن‌ها	سبب نمی‌شود (باعث نمی‌شود)	سوختن آن‌ها	خارج شدن

دانه‌هایش حاوی مقداری از روغن‌ها است که سوختن آن‌ها باعث خارج شدن

مِقْدَارٍ: مقداری (نکره)

أَيِّ	غَازَاتٍ مَلَوَّنَةٍ.	وَ	يُمْكِنُ	إِنْتَاجَ	النَّفْطِ	مِنْهَا.
هیچ	گازهایی (گازی) آلوده‌کننده	و	ممکن می‌شود (امکان دارد)	تولید	نفت	از آن [ها]

هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود و می‌توان از آن نفت تولید کرد.

أَيِّ: (در ساختار منفی) هیچ

وَ	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	مَدِينَةٍ	نِيكشهرِ	بِـ
و	وجود دارد	نوعی	از آن	در	شهر	نیکشهر	در

و نوعی از آن به نام درختِ مداد در شهر نیکشهر در

بِـ: در (في)

مَحَافِظَةَ	سِيستان	وَ	بَلُوشِستان	بِـ	اسْمِ	شَجَرَةِ	مِدَاد.
استان	سیستان	و	بلوچستان	به	نام	درخت	مداد

استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

شَجَرَةُ	الْبَلُوطِ	هِيَ	مِنْ	الأشجارِ	الْمَعْمُورَةِ	وَ	قَدْ
درخت	بلوط	[آن]	از	درختان	کهنسال [است]	و	گاهی

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر [این درخت]

غابات جميلة (ترکیب وصفی): جنگل‌های زیبایی، جنگل‌های زیبا ← (نکره)

تَبْلُغُ	مِنْ	العمر	الْفِي	سَنَةٍ	تُوجَدُ	غابات جميلة
می‌رسد	از	عمر	[به] دو هزار	سال	وجود دارد	جنگل‌های زیبایی

به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن

منها	في	محافظة	إيلام	و	لرستان	يُدُونُ	السَّنَجَابِ	بَعْضُ
از آن	در	استان	ایلام	و	لرستان	پنهن می‌کند	سنجاب	برخی از

در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب برخی از

جُوزَاتِ البَلُوطِ السَّلِيمَةِ	تَحْتِ	التُّرابِ،	و	قَدْ	يَنْسَى
دانه‌های سالم بلوط [را]	زیر	خاک	و	گاهی	فراموش می‌کند

دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند، و گاهی مکان آن‌ها را

شَجَرَةً: درختی، یک درخت (نکره)

مكائنها.	و	في	السَّنةِ	القَادِمَةِ	تَنمو	تِلْكَ	الْجُوزَةِ	و	تَصِيرُ	شَجَرَةً.
مکان آن‌ها [را]	و	در	سال	آینده	رشد می‌کند	آن	دانه	و	می‌شود	یک درخت

فراموش می‌کند. و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و یک درخت می‌شود.

قال	الإمام	الصادق	العليّ:	إزرعوا	و	اغرسوا،	...
فرمود	امام	صادق	بر او درود باد	[دانه] بکارید	و	[نهال] بکارید	

امام صادق عليه السلام فرمود: [دانه] بکارید (کشاورزی کنید) و [نهال] بکارید (درختکاری کنید)، ...

عَمَلًا: کاری، عملی (نکره)

و	الله	ما عَمِلَ	النَّاسُ	عَمَلًا	أَحَلَّ	و	لا	أَطِيبَ	مِنَهُ.
سوگند	[به] خدا	انجام نداد	(انجام ندادند)	مردم	کاری	حلال‌تر	و	خوب‌تر	(بهتر) از آن

به خدا سوگند، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام ندادند.

صُع في الفراغ كلمة مناسبة حسب نص الدرس.

(در جای خالی، کلمه مناسبی براساس متن درس قرار بده.)

۱- تَبْدَأُ الشَّجَرَةَ الْخَائِقَةَ حَيَاتَهَا بِالْإِنْتِفَافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عَصُونِهَا.

ⓑ (درخت خفه‌کننده، زندگی‌اش را با پیچیدن دور تنه یک درخت (درختی) و شاخه‌هایش شروع می‌کند.)

۲- لا يَسْبَبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مَلُوثَةٍ.

ⓑ (سوختن روغن‌های درخت نفت، باعث خارج شدن هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود.)

۳- تُوَجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.

ⓑ (جنگل‌های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد.)

۴- قَدْ يَبْلُغُ ازْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السَّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ.

ⓑ (گاهی ارتفاع برخی از درختان سکویا به بیش از صد متر می‌رسد.)

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الخَنْزِرِ أثماراً في نِهايَةِ أَغصَانِها كَالخَبْزِ.

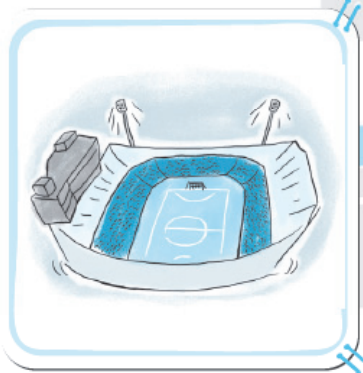
ⓑ (درخت نان، در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.)

۶- تَنمو أثمارُ العِنَبِ البَرزِيلِيِّ عَلى جَذْعِ شَجَرَتِهِ.

ⓑ (میوه‌های انگور برزیلی، بر تنه درختش رشد می‌کند.)

حوار (في الملعب الرياضي)

إسماعيل اسماعيل	گفت وگویی (در ورزشگاه)	إبراهيم ابراهيم
تعال نذهب إلى الملعب.	لِمَشَاهِدَةِ أَيِّ مَبَارَاةٍ؟	بیا بریم به ورزشگاه.
لِمَشَاهِدَةِ مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.	بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمَبَارَاةِ؟	برای تماشای چه مسابقه‌ای؟
برای تماشای مسابقه فوتبال.	أَلْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا ^۲ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	این مسابقه بین کیاست؟
بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ «سَعَادَتِ».	دو تیم، دو هفته پیش، مساوی شدن.	
أَتَذَكِّرُ ^۳ ذَلِكَ.	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	کدام تیم قوی‌ترن؟
اونو به یاد میارم. (اونو یادم میاد).	عَلَى عَيْنِي. تعال نذهب.	
كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ ^۵ بِالْمُتَفَرِّجِينَ ^۶ .	چشم (رو چشم). بیا بریم.	
هر دو شون قوین. باید به ورزشگاه بریم، قبل از این که از تماشاچیا پر بشه.		
في الملعب		
در ورزشگاه		
أَنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مِهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيَسْجِلُ ^۷ هَدَفًا ^۸ .	هُوَ هَجَمَ عَلَيَّ مَرَّةً ^۹ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	
نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تیم «صداقت» اومد. یه گل ثبت خواهد کرد (خواهد زد).	اون به دروازه تیم «سعادت» حمله کرد. گل، گل!	
لَكِنَّ الْحَكْمَ ^{۱۰} مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟	زَيْمًا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^{۱۱} .	شاید به خاطر آفساید.
ولی داور، گل رو قبول نکرد؛ چرا؟		
أَنْظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.	يُعْجِبُنِي ^{۱۲} جِدًّا حَارِسُ مَرَمِي ^{۱۳} فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	از دروازه بان تیم «سعادت» خیلی خوشم میاد.
نگاه کن؛ یه حمله قوی از طرف بازیکن تیم «صداقت».	مَنْ يَسْجِلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ.	هر کس یه گل ثبت کنه (یه گل بزنه)، به فینال می‌ره.
کجی به فینال می‌ره؟	لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ.	دو باره بدون گل، مساوی شدن.
کجی به فینال می‌ره؟		
أَلْحَكْمُ يَضْفِرُ.		
داور سوت می‌زنه.		



۲- تعادَل: برابر شد

۴- كِلَا: هر دو

۶- الْمُتَفَرِّجُ: تماشاچی

۸- الْهَدَفُ: گل

۱۰- الْحَكْمُ: داور

۱۲- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (ماضی: أَعْجَبَ / مضارع: يُعْجِبُ)

۱- الْمَبَارَاةُ: مسابقه

۳- أَتَذَكِّرُ: به یاد می‌آورم

۵- أَنْ يَمْتَلِئَ: که پر شود

۷- سَيَسْجِلُ: ثبت خواهد کرد

۹- الْمَرَمِيُّ: دروازه

۱۱- التَّسَلُّلُ: آفساید

۱۳- حَارِسُ الْمَرَمِيِّ: دروازه بان

قُدْرَةٌ	قُدْرَةٌ	قُوَّةٌ	قُوَّةٌ	أَشْجَارٌ	أَشْجَارٌ	النَّبَاتَاتُ	النَّبَاتَاتُ	يَبْلُغُ	يَبْلُغُ	يَصِلُ إِلَى	يَصِلُ إِلَى
قدرت	قدرت	قدرت	قدرت	درختان	درختان	گیاهان	گیاهان	می‌رسد [به]	می‌رسد [به]	می‌رسد [به]	می‌رسد [به]
تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ	تَنْمُو	تَنْمُو	أَلْسِنَةٌ	أَلْسِنَةٌ	أَلْعَامُ	أَلْعَامُ	عُصُونٌ	عُصُونٌ	أَغْصَانٌ	أَغْصَانٌ
می‌روید (رشد می‌کند)	می‌روید (رشد می‌کند)	رشد می‌کند (می‌روید)	رشد می‌کند (می‌روید)	سال	سال	سال	سال	شاخه‌ها	شاخه‌ها	شاخه‌ها	شاخه‌ها
حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	عَيْشٌ	عَيْشٌ	إِزْرَعُوا	إِزْرَعُوا	إِغْرَسُوا	إِغْرَسُوا	جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	رَائِعَةٌ	رَائِعَةٌ
زندگی	زندگی	زندگی	زندگی	بکارید	بکارید	بکارید	بکارید	زیبا	زیبا	زیبا، جالب	زیبا، جالب
بُدُورٌ	بُدُورٌ	جَوَزَاتٌ	جَوَزَاتٌ	تَصْبِيحٌ	تَصْبِيحٌ	تُصْبِحُ	تُصْبِحُ	أَطْيَبٌ	أَطْيَبٌ	أَحْسَنُ، أَفْضَلُ	أَحْسَنُ، أَفْضَلُ
دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها	می‌شود	می‌شود	می‌شود	می‌شود	بهتر، بهترین	بهتر، بهترین	بهتر، بهترین	بهتر، بهترین

مترادف

تُعْطِي	تُعْطِي	تَأْخُذُ	تَأْخُذُ	يَذْفِنُ	يَذْفِنُ	يَكْشِفُ	يَكْشِفُ	تَهْرَبُ	تَهْرَبُ	تَعُودُ	تَعُودُ
می‌دهد	می‌دهد	می‌گیرد	می‌گیرد	پنهان می‌کند	پنهان می‌کند	آشکار می‌کند	آشکار می‌کند	می‌گریزد	می‌گریزد	باز می‌گردد	باز می‌گردد
جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	قَبِيحَةٌ	قَبِيحَةٌ	حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	مَوْتٌ	مَوْتٌ	يُنْسِي	يُنْسِي	يَتَذَكَّرُ	يَتَذَكَّرُ
زیبا	زیبا	زشت	زشت	زندگی	زندگی	مرگ	مرگ	فراموش می‌کند	فراموش می‌کند	به یاد می‌آورد	به یاد می‌آورد
أَطُولُ	أَطُولُ	أَقْصَرُ	أَقْصَرُ	تَحْتٌ	تَحْتٌ	فَوْقٌ	فَوْقٌ				
بلندتر، بلندترین	بلندتر، بلندترین	کوتاه‌تر، کوتاه‌ترین	کوتاه‌تر، کوتاه‌ترین	زیر	زیر	روی، بالای	روی، بالای				

متضاد

ظَاهِرٌ	ظَاهِرٌ	آلِفٌ	آلِفٌ	الْمَزَارِعُ	الْمَزَارِعُ	الْمَزْرَعَةُ	الْمَزْرَعَةُ	مَحَاصِلٌ	مَحَاصِلٌ	مَحْصُولٌ	مَحْصُولٌ
ظاهر (پدیده)	ظاهر (پدیده)	الف (هزار)	الف (هزار)	مزارع	مزارع	مزرعه (کشتزار)	مزرعه (کشتزار)	محاصيل	محاصيل	محصول (محصول)	محصول (محصول)
الأشجار	الأشجار	عُصُونٌ	عُصُونٌ	عَجَائِبٌ	عَجَائِبٌ	بُدُورٌ	بُدُورٌ	أَغْصَانٌ	أَغْصَانٌ	مِثْرٌ	مِثْرٌ
اشجار (درخت)	اشجار (درخت)	عصون (شاخه)	عصون (شاخه)	عجائب (شگفت‌انگیز، عجیب)	عجائب (شگفت‌انگیز، عجیب)	بُدُورٌ	بُدُورٌ	أَغْصَانٌ	أَغْصَانٌ	مِثْرٌ	مِثْرٌ
أَثْمَارٌ	أَثْمَارٌ										
اثمار (میوه)	اثمار (میوه)										
أَمْتَارٌ	أَمْتَارٌ										
امتار (متر)	امتار (متر)										

جمع مکسر

الْتِمَارِين

الْتِمَارِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

(کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس، با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟)

- 1- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثَلَاثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا. أَلْحَبِيطُ الْهَادِي (اقیانوس آرام) (دریایی است که تقریباً معادل $\frac{1}{3}$ زمین است.)
- 2- أَلْتَجَمُّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. اِلْتِنَافٌ (در هم پیچیدن) (جمع شدن و گردش پیرامون چیزی.)
- 3- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عَمْرًا طَوِيلًا. مُعَمَّرٌ (کهنسال) (کسی که خداوند به او عمری طولانی می‌بخشد.)
- 4- الَّذِي يَعْْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ. مَزَارِعٌ (کشاورز) زَارِعٌ، فَلَاحٌ (کسی که در مزرعه کار می‌کند.)
- 5- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ. مُوَاصِفَاتٌ (ویژگی‌ها) (صفات کسی یا چیزی.)

الْتِمَارِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْهَا.

(احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده، مشخص کن.)

- 1- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^{بازو مهرور} فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ^{بازو مهرور} بِهِ صَدَقَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْجَائِزُ وَ الْمَجْرُورُ، وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)^{بازو مهرور}

هیچ مسلمانی نیست که زرع (کشتی) را بکارد یا نهالی بکارد و از آن پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی (حیوانی) بخورد، مگر این که به وسیله آن برای او صدقه‌ای بوده است (می‌باشد). رسول خدا ﷺ

۲- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ تَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ (أَفْعَلُ الْمَاضِي وَ الْمَفْعُولِ)

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد، مگر این که خداوند برای او به اندازه میوه آن نهال پاداش می نویسد. رسول خدا ﷺ

۳- سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: قَالَ: زَرَعْتُ، زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (أَفْعَلُ الْمَجْهُولِ، وَ الْفَاعِلِ)

از پیامبر ﷺ سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: کشتی که صاحبش آن را کاشته است (بکارد).

التمرین الثالث: أجب عن الأسئلة التالية حسب الصور.

(براساس تصاویر، به سؤالات زیر پاسخ بده.)



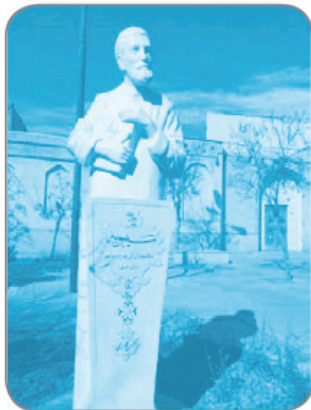
في أيِّ بلادٍ تقع هذه الأهرام؟ (این هرمها در چه کشوری است
واقع است، قرار دارد؟)

تقع هذه الأهرام في بلاد مصر. (این هرمها در کشور مصر است.)



يذهب الطلاب إلى المدرسة إلى المدرسة؟ (دانش آموزان با چه چیزی به مدرسه
می روند؟)

يذهب الطلاب إلى المدرسة بحافلة مدرسية. (دانش آموزان با
یک اتوبوس مدرسه، به مدرسه می روند.)



لِمَن هذا التمثال؟ (این تندیس برای چه کسی است؟)

هذا التمثال لسيبويه. (این تندیس، برای سبویه است.)



كيف الجوّ في أردبيل في الشتاء؟ (هوا در اردبیل در زمستان چه طور است؟)

الجوّ في أردبيل بارد جداً. (هوا در اردبیل بسیار سرد است.)



ماذا تشاهد فوق النهر؟ (روی رودخانه چه چیزی می بینی؟)

أشاهد بيتاً خشبياً فوق النهر. (یک خانه چوبی روی رودخانه می بینم.)



هل تشاهد وجهاً في الصورة؟ (آیا در تصویر، چهره ای می بینی؟)

نعم، أ شاهد وجهاً فيها. (بله، در آن چهره ای می بینم.)

التَّعْرِيفُ الرَّابِعُ: أَلِف: عَيَّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

(ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.)

- | | | | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|----------------------|-------------------------------------|---------------------|
| 1- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. | <input checked="" type="checkbox"/> | صدای عجیبی را شنیدم. | <input type="checkbox"/> | صدای عجیب را شنیدم. |
| 2- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | <input type="checkbox"/> | به روستایی رسیدم. | <input checked="" type="checkbox"/> | به روستا رسیدم. |
| 3- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي. | <input checked="" type="checkbox"/> | نگاهی به گذشته | <input type="checkbox"/> | نگاه به گذشته |
| 4- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ | <input type="checkbox"/> | بندگان درستکار | <input checked="" type="checkbox"/> | بندگان درستکار |
| 5- أَلَسَّوَاذُ الْعَتِيقِ | <input checked="" type="checkbox"/> | دستبند کهنه | <input type="checkbox"/> | دستبندی کهنه |
| 6- أَلتَّارِيخُ الدَّهْبِيُّ | <input type="checkbox"/> | تاریخی زرین | <input checked="" type="checkbox"/> | تاریخ زرین |

ب: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ. ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

(جمله‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن، سپس معرفه و نکره را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، مشخص کن.)



سَجَلَتِ مُنْتَظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ!

معرفه (اسم فاعل) معرفه

سازمان یونسکو، مسجد امام و گنبد قابوس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

معرفه معرفه



حَدِيقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانِ جَنَّةٍ فِي الصَّحْرَاءِ.

نکره

باغ شاهزاده، نزدیک کرمان، بهشتی در صحرا است.

نکره

قُبْرُ كُورُوشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ.

نکره

آرامگاه کوروش، گردشگرانی را از کشورهای جهان جذب می‌کند.

نکره



مَعْبَدُ كُرْدِغَلَا فِي مَحَافِظَةِ مازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.

معرفه (اسم فاعل) معرفه

معبد (پرستشگاه) کُردگلا در استان مازندران، یکی از آثار باستانی است.

معرفه

توجه: کلمه «قابوس» یک اسم خاص است، بنابراین با وجود داشتن تنوین، هم‌چنان «معرفه» به شمار می‌رود!



الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ : عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

(كلمة درست را براساس فعل ماضی، مشخص کن.)

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمُضَدَّرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُوَافِقُ	<input type="checkbox"/> التَّوْفِيقُ	<input checked="" type="checkbox"/> وَاْفِقْ	<input checked="" type="checkbox"/> يُوَافِقُ	وَأَفَقَ
<input type="checkbox"/> الْمَوْفُوقُ	<input checked="" type="checkbox"/> الْمُوَافِقَةُ	<input type="checkbox"/> وَفِّقْ	<input type="checkbox"/> يُوَفِّقُ	
<input type="checkbox"/> الْمُقَرَّبُ	<input checked="" type="checkbox"/> التَّقَرُّبُ	<input type="checkbox"/> قَرِّبْ	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	تَقَرَّبَ
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُتَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> التَّقْرِيبُ	<input checked="" type="checkbox"/> تَقَرَّبْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُتَعَارِفُ	<input type="checkbox"/> الْمُتَعَارَفَةُ	<input checked="" type="checkbox"/> تَعَارَفْ	<input type="checkbox"/> يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
<input type="checkbox"/> الْمُعَرَّفُ	<input checked="" type="checkbox"/> التَّعَارُفُ	<input type="checkbox"/> اِعْرِفْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُشْتَغِلُ	<input type="checkbox"/> الْإِشْغَالُ	<input checked="" type="checkbox"/> اِشْتَغِلْ	<input type="checkbox"/> يَنْشَغِلُ	اِشْتَغَلَ
<input type="checkbox"/> الْمُنْشَغِلُ	<input checked="" type="checkbox"/> الْإِشْتِغَالُ	<input type="checkbox"/> اِنْشَغِلْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَشْتَغِلُ	
<input type="checkbox"/> الْمُتَفَتِّحُ	<input type="checkbox"/> الْإِسْتِفْتَاْحُ	<input checked="" type="checkbox"/> اِنْفَتِّحْ	<input type="checkbox"/> يَنْفَتِّحُ	اِنْفَتَّحَ
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُتَفَتِّحُ	<input checked="" type="checkbox"/> الْاِلْفِتْحَاْحُ	<input type="checkbox"/> تَفَتَّحْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَنْفَتِّحُ	
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُسْتَرْجِعُ	<input type="checkbox"/> الْاِلْزِتْجَاْعُ	<input checked="" type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ	اِسْتَرْجَعَ
<input type="checkbox"/> الْمَرْجِعُ	<input checked="" type="checkbox"/> الْاِلْسِتْرِجَاْعُ	<input type="checkbox"/> رَاْجِعْ	<input type="checkbox"/> يَرْجِعُ	
<input checked="" type="checkbox"/> الْمُنْزِلُ	<input type="checkbox"/> التَّنْزِيلُ	<input type="checkbox"/> اِنْزِلْ	<input type="checkbox"/> يَنْزِلُ	نَزَلَ
<input type="checkbox"/> اِنْتَاْزِلْ	<input checked="" type="checkbox"/> التَّنْزِيلُ	<input checked="" type="checkbox"/> نَزَّلْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَنْزِلُ	
<input type="checkbox"/> الْاَلْكَرْمُ	<input checked="" type="checkbox"/> الْاِلْكَرَامُ	<input checked="" type="checkbox"/> اَكْرِمْ	<input checked="" type="checkbox"/> يَكْرِمُ	اَكْرَمَ
<input checked="" type="checkbox"/> الْمَكْرِمُ	<input type="checkbox"/> التَّكْرِيمُ	<input type="checkbox"/> كَرِّمْ	<input type="checkbox"/> يَكْرِمُ	

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

■ اِبْحَثْ عَنِ نَصِّ حَوْلَ اَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْاَشْجَارِ.

(دنبال متنی پیرامون اهمیت درختکاری بگرد.)

سؤال‌های امتحانی

سؤال‌های ترجمه محور

۱- اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا.

(الف) الشَّجَرَةُ العَائِقَةُ شَجَرَةً تَنْمُو فِي بَعْضِ العَابَاتِ الإِسْتَوَائِيَّةِ. (پوشاننده - خفه کننده - بلند)
(ب) وَ اللهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. (زیباتر - حلال تر - خوب تر)

۲- اَكْتُبْ فِي الفُرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً حَسَبَ المَعْنَى.

(الف) شَجَرَةُ البُلُوطِ فِي إِيلام و لُرستان. (جُزُر - جُوزة - مَحَافِظَة)
(ب) عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. (حَيْر - أَسْفَل - أَسْرَع)

۳- عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

(الف) تراب شَجَرَة غَضَن جِذَع
(ب) أَحْسَن أَحْضَر أُطِيب أَفْضَل

۴- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

(۱) بی شک خدا رشدهنده دانه و هسته است.

﴿إِنَّ اللهَ فَالِقُ الحَبِّ وَ النَّوَى﴾

(۲) بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

۵- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ المَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ.

(۱) گازهای آلوده کننده

(الف) غازات مَلَوُثَةٌ

(۲) گازهای آلوده کننده

(۱) درختان کهنسال

(ب) الأَشْجَارُ المَعْمَرَةُ

(۲) درختانی کهنسال

۶- عَيِّنِ الجَوَابَ الصَّحِيحَ.

(۱) درخت نان درختی استوایی است که در جزیره‌های اقیانوس آرام رشد می کند.

(الف) شَجَرَةُ الخُبْزِ شَجَرَةٌ إِسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جَزْرِ المَحِيطِ الهَادِيءِ.

(۲) درخت نان درختی استوایی است که در جنگل‌های اقیانوس اطلس رشد می کند.

(۱) کشاورزها آن را برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، چون دیواری دور مزارع استفاده می کنند.

(ب) يَسْتَخْدِمُهَا المَزَارِعُونَ كَسِيَاجٍ حَوْلَ المَزَارِعِ لِجَمَاعَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الحَيَوَانَاتِ.

(۲) کشاورزها برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، دیواری دور مزارعشان می کشند.

۷- كَمِّلْ تَرْجَمَةَ العِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ.

جنگل‌هایی زیبا از

(الف) تَوْجَدُ غَابَاتٍ جَمِيلَةً مِنْهَا فِي مَحَافِظَةِ إِيلام و لُرستان.

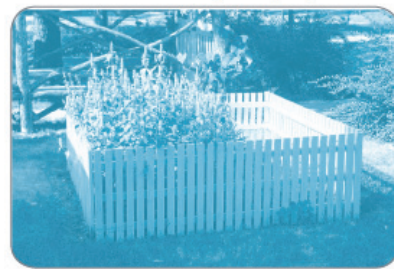
گاهی عمر درخت بلوط به

(ب) قَدْ تَبَلَّغَ شَجَرَةُ البُلُوطِ مِنَ العُمُرِ الأَلْفِي سَنَةً.

۸- اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الفُرَاغِ.



(ب) يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ.



(الف) هُنَاكَ حَوْلَ المَزْرَعَةِ.

۹- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- (الف) ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ.
 (ب) مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أُثْمَارًا طَوَّلَ السَّنَةِ.
 (ج) قَدْ يَبْلُغُ ازْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ.
 ۱۰- اَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

(الف) أَعْصَانٌ مفرد (ب) جِذَعٌ جمع (ج) بَذْرٌ جمع

۱۱- صُغْ عَلَامَةَ الْمُتَرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. () ()

- غَيْمٌ سَحَابٌ
 فَوْحٌ خَزِينٌ
 جَاهِزٌ حَاضِرٌ
 ظِلَامٌ ضِيَاءٌ
 إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ
 مِنْ فَضْلِكَ رِجَاءٌ
 يَنْبُوعٌ عَيْنٌ
 عِدَاوَةٌ صِدَاقَةٌ

۱۲- صُغْ فِي الْمُرْتَبِعِ الْحَرْفَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

- (الف) رَائِحَةُ كَرِيهَةٌ
 (ب) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ
 (ج) الْخَبُوبُ
 (د) الْتُرَابُ
 (ه) تَهْرَبٌ مِنْهَا الْخَيَوَانَاتُ.
 هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ.
 بُدُورٌ يَنْشُرُهَا الْمُرَارِعُ فِي الْمُرْزَعَةِ.

۱۳- عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

- (الف) يَذْفُنُ السُّنْجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبُلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ .
 (ب) يُفَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ .

۱۴- أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمَعْجَمِ تَنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ؟

- (الف) الَّذِي يَرِاقِبُ مَرْمَى كُرَةِ الْقَدَمِ. (حَارِسُ الْمَرْمَى - زَارِعُ الْمُرْزَعَةِ - الْمَشَاغِبِ)
 (ب) الَّذِي يَشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ. (الْمَوْطَفُ - الْمَتَفَرِّجُ - الْمُرَافِقُ)

۱۵- عَيِّنِ الْفَارْسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- (الف) ﴿فَمَنْ اغْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت / دماغ بیهدده پخت و خیال باطل بست
 (ب) ﴿وَمَنْ يَغْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ نمائد ستمکار بد روزگار / بمائد برو لعنت پایدار

سؤالهای قاعده محور

۱۶- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمُضَدَّرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
<input type="checkbox"/> مُخْرِجٌ	<input type="checkbox"/> خُرُوجٌ	<input type="checkbox"/> أَخْرِجْ	<input type="checkbox"/> يُخْرِجُ	(الف) أَخْرَجَ
<input type="checkbox"/> خَارِجٌ	<input type="checkbox"/> إِخْرَاجٌ	<input type="checkbox"/> إِخْرِجْ	<input type="checkbox"/> يَخْرِجُ	
<input type="checkbox"/> مُسْتَحْدِمٌ	<input type="checkbox"/> إِسْتِحْدَامٌ	<input type="checkbox"/> اسْتَحْدِمْ	<input type="checkbox"/> يَسْتَحْدِمُ	(ب) اسْتَحْدَمَ
<input type="checkbox"/> مُسْتَحْدَمٌ	<input type="checkbox"/> مُخَادَمَةٌ	<input type="checkbox"/> خَادِمٌ	<input type="checkbox"/> يُسْتَحْدِمُ	

۱۷- اَكْتُبِ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ فِي الْعِبَارَاتِ.

- (الف) تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أُثْمَارًا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.
 (ب) الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أَشْبُوعَيْنِ.

۱۸- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ وَ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ فِي الْعِبَارَاتِ.

- (الف) ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
 (ب) جَمَالَ الْمَرْءِ فَصَاحَةٌ لِسَانِهِ.

١٩- عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ.

- الف) قَدْ كَانُوا كَانَا يَغْسِلَانِ كَانَتَا تُصَدِّقَانِ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
ب) لَا تَتَعَجَّبُوا لَا تَخَيَّرُ لَا يَسْكُنُونَ لَا تَنْقِدُوا

٢٠- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- الف) اِسْمُ الْمَعْرِفَةِ: مَدْرَسٌ أَفْرَاسٌ جَعْفَرٌ
ب) اِسْمُ النَّكْرَةِ: نُوْرٌ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ
ج) اِسْمُ الْإِشَارَةِ: هُنَاكَ هُنَّ هُمْ
د) اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: حَمَلَتْ يَحْمِلُ تُحْمَلُ
هـ) اَلْفِعْلُ الْمُسْتَقْبَلُ: نَسْكُتُ سَحَبَ سَيَسْبَبُ

٣ سؤال های فهم و درک مطلب

٢١- أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ.



ب) كَمْ كِتَاباً تَرَى فِي الصُّورَةِ؟



الف) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ إِيْرَانِ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ؟

٢٢- صُغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

الْخَانِيقَةُ - السَّنْجَابُ - الطَّوَاهِرُ - جَمِيلَةٌ

الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ

ب) يَذْفِنُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيْمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ.

ج) تَوْجَدُ غَابَاتٍ مِنْ شَجَرَةِ الْبَلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.

٢٣- نَظِّمِ الْكَلِمَاتِ غَيْرَ الْمُنْتَظَمَةِ.

اللَّاعِبُ - يَسْجَلُ - سَوْفَ - هَدَفًا

٢٤- اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ الْفَنِيِّ سَنِيَةً. تَوْجَدُ غَابَاتٍ جَمِيلَةً مِنْهَا فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. يَذْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيْمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تُصِيرُ شَجَرَةً.

الف) أَيَّنْ يَذْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ الْجُوزَاتِ؟

ب) مَتَى تَنْمُو الْجَوْزَةُ وَ مَاذَا تُصِيرُ؟

ج) عَيِّنِ الْأَسْمَاءَ الَّتِي تَكُونُ جَمْعاً.

پاسخ سؤال‌های امتحانی

ب) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.

ج) گاهی بلندی برخی از آن‌ها به بیشتر از صد متر می‌رسد.

۱۰- مفرد یا جمع اسم‌های زیر را بنویس.

الف) أَعْصَانُ **مفرد** (عُصْنُ (شاخه)

ب) جِذَعٌ **جمع** (جُذُوعٌ (تنه‌ها)

ج) بُذْرٌ **جمع** (بُذُورٌ (دانه‌ها)

۱۱- علامت مترادف یا متضاد را در مکان مناسب قرار بده.

عَيْمٌ = سَحَابٌ (ابر) قُرْحٌ (شاد) = حَزِينٌ (غمگین)

جَاهِزٌ = حَاضِرٌ (آماده) مِنْ قَضَلِكُ = رَجَاءٌ (لطفاً)

ظِلَامٌ (تاریکی) = ضِيَاءٌ (روشنایی) يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ (چشمه)

إِحْسَانٌ (نیکی کردن) = إِسَاءَةٌ (بدی کردن)

عِدَاوَةٌ (دشمنی) = صَدَاقَةٌ (دوستی)

۱۲- در مرتب، حرف مناسب را قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

الف) رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ. (بوی بدی که حیوانات از آن فرار می‌کنند.)

ب) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ. (درخت بلوط از درختان کهنسال است.)

ج) أَلْحَبُوبُ بُدُورٌ يَنْسُرُهَا الْمُرَارِعُ فِي الْمُرَزَعَةِ. (دانه‌ها، بذرهایی هستند که کشاورز آن‌ها را در مزرعه پخش می‌کند.)

د) الثَّرَابُ: خَاكٌ / واژه اضافی است.

۱۳- جمله درست و نادرست را براساس واقعیت، مشخص کن.

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند. (درست)

ب) خرید سیم کارت از ادارهٔ مخابرات امکان دارد. (درست)

۱۴- کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه با توضیحات هماهنگی دارد؟

الف) حَارِسُ الْمُرَمَى / الَّذِي يَرَاقِبُ مَرَمَى كُرَةِ الْقَدَمِ. (دروازه‌بان - کشاورز مزرعه - اخلاکگر) (دروازه‌بان کسی است که از دروازه فوتبال محافظت می‌کند.)

ب) الْمُتَفَرِّجُ / الَّذِي يَشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ. (کارمند - تماشاچی - همراه) (تماشاچی کسی است که مسابقه را در ورزشگاه مشاهده می‌کند.)

۱۵- فارسی مناسب عبارت عربی را مشخص کن.

الف) ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (هر کس بعد از آن ستم کند، پس عذاب دردناکی دارد.) ← نماند ستمکار بد روزگار / بماند برو لعنت پایدار

ب) ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (و هر کس به اندازهٔ مثقال ذره‌ای کار بد انجام دهد، [سزای] آن را می‌بیند.) ← هر آن که

۱- ترجمهٔ درست کلمه‌ای را که زیر آن خط کشیده شده، انتخاب کن.

الف) درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی از جنگل‌های الخَائِنَةُ

استوایی رشد می‌کند.

ب) سوگند به خدا، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند. أَطْيَبُ

۲- در جای خالی یک کلمه مناسب براساس معنی بنویس.

الف) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جزیره‌ها - دانه (گردو، بلوط و ...) - استان) (درخت بلوط در استان ایلام و لرستان است.)

ب) عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. (بهتر است - پایین‌تر - سریع‌تر) (دانشمندی که از علم او سود برده می‌شود، از هزار عابد بهتر است.)

۳- کلمه بیگانه را در هر مجموعه مشخص کن.

الف) خاک درخت شاخه تنه

ب) نیکوتر سبز خوب‌تر بهتر

۴- ترجمهٔ درست را مشخص کن.

گزینه ۲: فَالِقٌ: شکافنده

۵- ترجمهٔ درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.

الف) گزینه ۱: «۱» غَازَاتٌ مَلُوتَةٌ: گازهایی آلوده‌کننده (هر دو اسم، «نکره» هستند.)

ب) گزینه ۱: «۱» الْأَشْجَارُ الْمَعْمَرَةُ: درختان کهنسال (هر دو اسم، «معرفه» هستند.)

۶- پاسخ درست را مشخص کن.

الف) گزینه ۱: «۱» جَزْرُ الْمَحِيْطِ الْهَادِي: جزیره‌های اقیانوس آرام

ب) گزینه ۱: «۱» گِسيَاچ: چون دیواری / يَسْتَخْدِمُ: استفاده می‌کند. (در این جمله) استفاده می‌کنند

۷- ترجمهٔ عبارت‌های زیر را کامل کن.

الف) جنگل‌هایی زیبا از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. ب) گاهی عمر درخت بلوط به دو هزار سال می‌رسد.

۸- نام هر تصویر را در جای خالی بنویس.

الف) هُنَاكَ سِيَاچِ حَوْثِ الْمُرَزَعَةِ. (دیواری دور مزرعه وجود دارد.)

ب) الْمُرَارِعُ يَعْمَلُ فِي الْمُرَزَعَةِ. (کشاورز در مزرعه کار می‌کند.)

۹- عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

الف) پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن، قدرت خدا است.

ب) چند کتاب در تصویر می‌بینی؟ أَرَى فِي الصُّورَةِ سَبْعَةَ كُتُبٍ. (در تصویر، هفت کتاب می‌بینم.)

۲۲- در جای خالی یک کلمه مناسب از کلمات زیر قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ الظُّوَاهِرِ. (و اکنون برخی از پدیده‌ها را شرح می‌دهیم.)

ب) يَذِفُن السَّنَجَابَ بَعْضُ جُوزَاتِ الْبُلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتِ التُّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند.)

ج) تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ شَجَرَةِ الْبُلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جنگل‌هایی زیبا از درخت بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد.)

توجه واژه «الْخَائِقَةُ» به معنی «خفه‌کننده» اضافی است.

۲۳- کلمات نامرتب را مرتب کن.

الْلاَّعِبُ سَوْفَ يَسْجَلُ هَدَفًا / سَوْفَ يَسْجَلُ اللَّاعِبُ هَدَفًا: بازیکن گلی را ثبت خواهد کرد.

۲۴- متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.

ترجمه متن:

«درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر [آن] به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند و گاهی محل [پنهان کردن] آن‌ها را فراموش می‌کند و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و درختی می‌شود.»

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های [بلوط] را کجا پنهان می‌کند؟ يَذِفُن السَّنَجَابَ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبُلُوطِ تَحْتِ التُّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند.)

ب) چه زمانی دانه بلوط رشد می‌کند و چه می‌شود؟ تَنْمُو الْجُوزَةُ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ وَ تُصِيرُ شَجَرَةً. (دانه بلوط در سال آینده رشد می‌کند و درختی می‌شود.)

ج) اسم‌هایی که در متن به صورت جمع به کار رفته است: الْأشْجَارُ: جمع مکسر «مفردش: الشَّجَر» / غَابَاتُ: جمع مؤنث سالم «مفردش: غَابَةٌ» / جُوزَاتُ: جمع مؤنث سالم «مفردش: جُوزَةٌ».

تخم بدی کاشت و چشم نیکی داشت / دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست

۱۶- کلمه درست را براساس فعل ماضی مشخص کن.

الف) أَخْرَجَ (ماضی) - يُخْرِجُ (مضارع) - أَخْرَجَ (امر) - إِخْرَاجَ (مصدر) - مُخْرِجَ (اسم فاعل)

ب) اِسْتَخْدَمَ (ماضی) - يَسْتَخْدِمُ (مضارع) - اِسْتَخْدِمَ (امر) - اِسْتِخْدَامَ (مصدر) - مُسْتَخْدِمَ (اسم فاعل)

۱۷- نقش کلمات رنگی را در عبارت‌ها بنویس.

الف) تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ اَثْمَارًا فِي نِهَائَةِ اَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.

فَاعِل مَفْعُول

ب) الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ اَسْبُوعَيْنِ.

مَيْتَرَا مَفْعُولَا لِه

۱۸- مفعول، مبتدا و خبر را در عبارت‌ها مشخص کن.

الف) ﴿ اَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ ﴾

مَفْعُول مَفْعُول

ب) جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِهِ.

مَيْتَرَا فِعْر

۱۹- فعلی را که با فعل‌های دیگر در نوع هماهنگ نیست، مشخص کن.

الف) فعل «قَدَّ + ماضی = قَدَّ كَانُوا» ماضی نقلی و بقیه فعل‌ها ماضی استمراری «كَانَ + مضارع» هستند.

ب) فعل «لَا يَسْكُنُونَ» مضارع منفی و بقیه فعل‌ها، فعل نهی هستند.

۲۰- پاسخ درست را انتخاب کن.

- | | | |
|--|--|---|
| الف) <input type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> نکره | <input checked="" type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ب) <input checked="" type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ج) <input checked="" type="checkbox"/> اسم اشاره | <input type="checkbox"/> ضمیر | <input type="checkbox"/> ضمیر |
| د) <input type="checkbox"/> ماضی معلوم | <input type="checkbox"/> مضارع معلوم | <input checked="" type="checkbox"/> مضارع مجهول |
| ه) <input type="checkbox"/> مضارع | <input type="checkbox"/> ماضی | <input checked="" type="checkbox"/> مستقبل |

۲۱- به دو پرسش زیر پاسخ بده.

الف) این تصویر در کدام شهر قرار دارد؟ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ فِي مَدِينَةِ اِصْفَهَانَ. (این تصویر در شهر اصفهان قرار دارد.)

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: (۱ - ۴)

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْخَبِّ وَ النَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ﴾

- ۱) قطعاً خداوند شکافنده هسته و دانه است و مُردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.
 ۲) قطعاً خداوند شکافنده دانه و هسته است که زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.
 ۳) بی‌گمان خداوند رشدهنده هسته و دانه است و زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.
 ۴) بی‌گمان خداوند رشدهنده دانه و هسته است و مردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.

۲- «رَائِحَةُ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ وَ تَحْتَوِي بَدْوَرَهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الرُّبُوبِ.»

- ۱) بوی درخت ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی مقداری روغن است.
 ۲) بوی درخت ناپسند است و حیوانات از آن بیزارند و دانه‌های آن حاوی کمی از روغن است.
 ۳) بوی درخت ناخوشایند است و حیوانات زیادی از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی روغن است.
 ۴) بوی درختان ناپسند است که حیوانات از آن بیزارند و دانه روغنی از آن استخراج کردند.

-۳

- ۱) مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ: از ویژگی‌های مهم این درخت،
 ۲) أَنَّهَا تُغَطِّيْ أَمْثَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ: این است که در طول سال میوه می‌دهد،
 ۳) تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِتِفَافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ: زندگی خود را با پیچیدن دور تنه درختی شروع می‌کند،
 ۴) ثُمَّ تَحْتَفِقُهَا تَدْرِيجِيًّا: سپس آن را به تدریج می‌میراند.

-۴

- ۱) يَأْكُلُ النَّاسُ لَبَّ هَذِهِ الْأَمْثَارِ: مردم، مغز این میوه را خواهند خورد.
 ۲) يَسْتَخْدِمُهَا الْمُرَارِعُونَ كَسِيَاحٍ: کشاورزان از آن مانند یک دشت استفاده می‌کنند.
 ۳) يُمْكِنُ إِتِنَاجُ النَّفْطِ مِنْهَا: در تولید نفت از آن استفاده می‌شود.
 ۴) قَدْ يَنْسَى الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ: گاهی انسان خودش را فراموش می‌کند.

عَيْنِ الْخَطَأِ: (۵ - ۶)

-۵

- ۱) أَلْزُجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ: شیشه، گویی که آن ستاره‌ای درخشان است.
 ۲) لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ: برای بار دوم بی‌هدف شکل گرفته است.
 ۳) رُبَّمَا يَسْبَبُ تَسَلُّلُ: چه بسا به خاطر آفساید است.
 ۴) يَمْتَلِي الْمَلْعَبُ بِالْمَتَمَرِّجِينَ: ورزشگاه با تماشاچیان پر می‌شود.

-۶

- ۱) سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: پیامبر ﷺ پرسید:
 ۲) زُرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ: کشتی که صاحبش آن را بکازد.
 ۳) سَجَلَتْ مُنْتَظِمَةُ الْيُونِسْكَو: سازمان یونسکو ثبت کرد.
 ۴) مَسْجِدُ الْإِمَامِ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: مسجد امام در لیست میراث جهانی است.

۷- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَتْ النِّكَرَةُ.

- ۱) جَزِيْرَةٌ قِشْمٌ تَقَعُ فِي مُحَافِظَةِ هُرْمُزْجَانِ.
 ۲) عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ.
 ۳) شَجَرَةُ السُّكُوْيَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ.
 ۴) الْأَشْجَارُ الْعَجِيْبَةُ مِنْ هَذِهِ الطَّوَاهِرِ وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَهَا.

٨- الألفاظ

١) كَلامَ حَفِيٍّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.

٣) رَأْيٍ لِحَلِّ مُشْكِلةٍ.

٩- في أيِّ عِبارةٍ جاءَ اسْمُ الفاعِلِ وَ الفِعْلِ المُضارعِ معاً.

١) ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرَساً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الأَجْرِ.

٣) ﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولاً فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ﴾

١٠- عَيِّنِ العِبارةَ الَّتِي فيها التَّكْرارُ.

١) هُوَ أَعْلَمُ بِسَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ المَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ.

٣) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الأَخْلاقِ.

٢) طَرُحَ سُؤالٍ صَعْبٍ.

٤) التَّجَمُّعُ وَ الدَّورانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

٢) زُرْعٌ، زُرْعَةٌ صاحِبَةٌ.

٤) ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً إِلَّا كانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

٢) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ في المِيزانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ.

٤) التَّنابُزُ تَسْمِيَةٌ الأَخْرينَ بالأَسْماءِ القَبِيحَةِ.



پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۲» فالِقُ: شکافنده / الحَبِّ وَ النَّوَى: دانه و هسته /
 النَّحْيِ مِنَ الْمَيِّتِ: زنده از مُرده
- ۲- گزینه «۱» رَائِحَةُ الشَّجَرَةِ: بوی درخت / تَهْرَبُ: فرار
 می‌کنند / بُدُوْرُهَا: دانه‌های آن / تَحْتَوِي عَلَيَّ: حاوی
- ۳- گزینه «۳» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
 (۱) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت
 (۲) این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.
 (۴) سپس به تدریج آن را خفه می‌کند.
- ۴- گزینه «۴» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
 (۱) مردم، مغز این میوه‌ها را می‌خورند.
 (۲) کشاورزان از آن مانند یک پرچین استفاده می‌کنند.
 (۳) تولید نفت از آن [ها] امکان دارد.
- ۵- گزینه «۲» ترجمه درست: دوباره بدون کُل برابر شده‌اند.
 ۶- گزینه «۱» ترجمه درست: از پیامبر ﷺ پرسیده شد.
 ۷- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) اسم‌های «جَزِيْرَة، قِشْم، مُحَافِظَة، هُرْمَزْجَان» معرفه هستند.
 برخی اسم‌های خاص هستند (قِشْم، هُرْمَزْجَان) و برخی چون به اسم
 خاص اضافه شده‌اند، معرفه‌اند (جَزِيْرَة، مُحَافِظَة).
 (۲) اسم‌های «عَلِيّ، مَع، الْحَقُّ» معرفه‌اند، برخی «أَل» دارند (الْحَقُّ)،
 برخی اسم خاص هستند (عَلِيّ) و برخی مضاف به معرفه شده‌اند (مَع).
 (۳) اسم «شَجَرَة» نکره است و بقیه اسم‌ها معرفه هستند: شَجَرَة،
 السُّكُوْبَا، أَطْوَل، أَشْجَار، الْعَالَمِ.
 (۴) اسم‌های «الْأَشْجَار، الْعَجِيْبَة، هَذِهِ، الظَّوَاهِرِ، الْآنَ، بَعْضُ، هَا» معرفه‌اند.
- نکته** (بیشتر بدانیم) اسم‌های معرفه عبارت‌اند از:
 (۱) اسم‌های خاص: عَلِيّ، فاطمة، بهزاد، دماوند، طهران، اصفهان
 (۲) ضمیرها: هُوَ، هِمْ، هِمْ، هِي، ...
 (۳) اسم‌های اشاره: هَذَا، هَذِهِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، هُوَءَا، ...
 (۴) اسم‌های ال‌دار: الْكِتَاب، الْقُرْآن، الرَّسُول، الْبَيْت
 (۵) اسم‌هایی که به یکی از معرفه‌های چهارگانه بالا مضاف شود:
- کتاب + الله ← کتاب الله
 نکره معرفه اسم مضاف به الله معرفه اسم خاص معرفه
- ۸- گزینه «۴» «در هم پیچیدن» (الْإلتِفَاف)، جمع‌شدن و
 پیچیدن دور چیزی است.
 ترجمه سایر گزینه‌ها:
 (۱) سخنی پنهان، میان دو شخص است.
 (۲) طرح پرستی سخت است.
 (۳) نظری برای حل مشکلی است.
- ۹- گزینه «۴» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) فعل مضارع وجود دارد (يغرس)، ولی اسم فاعل وجود ندارد.
 (۲) اسم فاعل وجود دارد (صاحب)، ولی فعل مضارع وجود ندارد.
 (۳) فعل مضارع و اسم فاعلی وجود ندارد.
 (۴) هم اسم فاعل وجود دارد (مسلم) و هم فعل مضارع (يَزْرَع).
- ۱۰- گزینه «۲» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) در این گزینه یک اسم نکره وجود دارد (أَعْلَمَ).
 (۲) در این گزینه دو اسم نکره وجود دارد (شَيْءٌ، أَثْقَل).
 (۳) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.
 (۴) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.